

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

تنبيهات بحث اجتماع امر و نهي

عمده بحث اجتماع امر و نهي تقريباً تمام شده و يك تتمه‌اي در اين بحث مهم باقي مانده، كه برخي به عنوان تنبيهات بحث اجتماع امر و نهي عنوان کرده‌اند و برخي هم، قسمتي را جزء مباحث و الباقي را جزء تنبيهات قرار داده‌اند.

تنبيه اول: عبادات مكروهه يكي از ادله قائلين به جواز

بحثي واقع شده، بنام عبادات مكروهه، مثل صلاه در حمام، يا صوم روز عاشورا، كه اين را مرحوم آخوند(ره) در كفايه به عنوان يكي از ادله قائلين به جواز اجتماع امر و نهي عنوان فرموده‌اند، برخي از بزرگان هم به عنوان يكي از تنبيهات بحث اجتماع امر و نهي آورده‌اند.

خلاصه بحث اين است كه، كساني كه قائلند به اينكه، اجتماع امر و نهي جايز است، مي‌گويند: كه دليلمان بر اين مدعا، وقوع اجتماع امر و نهي در فقه است و «ادل الدليل علي امكان شيء وقوعه». بعد از اينكه مي‌بينيم، در شريعت واقع شده، ديگر نيازي به دليل براي امكان نداريم، دليل براي امكان، وقوع اينها در شريعت است. مثلاً صوم روز عاشورا، عنوان مكروه را دارد. صوم به عنوان اينكه، «في كل يوم» استحباب دارد، در روز عاشورا مكروه است، لذا در صوم يوم عاشورا، بين استحباب و كراهت جمع شده‌است.

همچنين اگر كسي نماز واجبش را در حمام خواند، در اين صلاه در حمام، اجتماع وجوب و كراهت شده‌است. صلاه به عنوان اينكه مأمور به است، واجب و به عنوان اينكه در حمام واقع شده، مكروه مي‌شود. اگر صلاه مستحبي را هم در حمام خواند، اجتماع استحباب و كراهت مي‌شود.

البته در بحث عبادات مكروهه، اجتماع وجوب و حرمت نداريم، اجتماع امر و نهي، به معني نهي تحريمي و امر وجوبي نداريم، ولي قائل به جواز و كسي كه به اين دليل استدلال مي‌كند، مي‌گويد: در مسئله وجود تضاد بين احكام، تضاد بين همه احكام، بين وجوب و حرمت، استحباب و كراهت، حتي وجوب و استحباب، وجود دارد. در نتيجه وجود تضاد، اختصاص به وجوب و حرمت ندارد و بين همه احكام خمسۀ تضاد وجود دارد.

قائل به جواز مي‌گويد: اگر تضاد مانع از اجتماع امر و نهي، يا اجتماع دو حكم است، پس چرا در شريعت، در عبادات مكروهه، اجتماع حكمين داريم، در حاليكه بين همه احكام تضاد وجود دارد؟ پس اين معنا، كشف از اين مي‌كند كه، در رفع قائلۀ تضاد، تعدد عنوان كفايت مي‌كند.

اگر عنوان متعدد شد، ولو فعل در عالم خارج يك فعل واحد است، بايد بگويم كه: اجتماع حكمين متضادين، با وجود تعدد عنوان كفايت مي‌كند. اين شايد مهم‌ترين دليل هست، كه قائلين به جواز اجتماع امر و نهي اقامه کرده‌اند.

نقد و بررسی این دلیل قائلین به جواز

سه جواب اجمالی آخوند(ره) از این دلیل

مرحوم آخوند(ره) در کفایه از این دلیل، هم جواب اجمالی و هم جواب تفصیلی داده‌اند، که جوابهای مرحوم آخوند(ره) را بیان می‌کنیم و بحث را بر محور همین کلام مرحوم آخوند(ره) قرار می‌دهیم.

به عنوان جواب اجمالی، مرحوم آخوند(ره) سه جواب از این دلیل ذکر کرده‌اند؛ در جواب اول فرموده‌اند: «الظهور لا یصادم البرهان»، اگر در موردی، برهان عقلی اقامه کردیم و در شریعت ظواهری دیدیم، که بر خلاف این برهان است، به مجرد یک ظاهر، نمی‌توانیم دست از برهان برداریم.

وقتی که در اعتقادات اثبات می‌کنیم که، خداوند تبارک و تعالی جسم نیست و برهان اقامه می‌کنیم، اگر در شریعت ظواهری وجود دارد، مانند «یدالله مغلوله»، «[یدالله فوق ایدیهم](#)»، باید این ظواهر را به گونه‌ای توجیه کنیم و با یک ظاهر نمی‌توانیم دست از یک برهان تام عقلی برداریم، اینجا هم همینطور است.

یعنی مرحوم آخوند(ره) فرموده‌اند: برهان اقامه کردیم، بر اینکه اجتماع امر و نهی، سر از اجتماع ضدین در می‌آورد و اجتماع ضدین در شیء واحد، محال است. وقتی برهان اقامه کردیم بر وجود تضاد بین الاحکام و اجتماع ضدین، در شریعت اگر چند موردی هم داشتیم، که ظهور در اجتماع دو حکم متضاد داشت، باید آن را توجیه کنیم، «الظهور لا یصادم البرهان». در جواب اجمالی دوم، فرموده‌اند: این مواردی که در عبادات مکروهه وجود دارد، مواردی است که خود قائل به جواز هم دچار اشکال می‌شود و باید به دنبال یک راه حل باشد، برای اینکه در ما نحن فیه قائل به امتناع می‌گوید: اجتماع حکمین متضادین در جایی که تعدد عنوان باشد، ممتنع است و قائل به جواز می‌گوید: با وجود تعدد عنوان جایز است، اما در عبادات مکروهه تعدد عنوان نداریم و «اجتماع حکمین فی شیء واحد و من جهة واحدة» هست.

مثلاً در صوم یوم عاشورا، یک عنوان بنام صوم داریم، که هم می‌خواهیم بگوییم: مستحب و هم مکروه است. در باب صلاه در دار غصبی، می‌گفتیم: بر این فعل دو ماهیت و طبیعت منطبق است، یکی طبیعت صلاه و دیگری طبیعت غصب، اما در صوم یوم عاشورا، یا صلاه در حمام، دو ماهیت بر این فعل منطبق نیست و این فعل مجمع برای دو ماهیت و طبیعت نیست، یک ماهیت بنام صوم دارد، یا در صلاه در حمام، یک ماهیت بنام صلاه دارد.

لذا مرحوم آخوند(ره) فرموده‌اند: اگر از قائل به جواز اجتماع امر و نهی بپرسیم، در جایی که دو حکم از جهت واحد و به یک عنوان واحد باشد، آیا اجتماع جایز است یا نه؟ می‌گوید: اجتماع ممتنع است. پس خود قائل به جواز هم، باید از این اشکال عبادات مکروهه تفصیلی پیدا کند.

در جواب سوم فرموده‌اند: در مواردی که مندوحه وجود ندارد، یعنی در مواردی که بدل در کار نیست، مثل صوم یوم عاشورا، که بدل ندارد و مندوحه هم در کار نیست، – یک وقتی می‌گوییم: در صلاه در حمام، به جای اینکه این شخص در حمام نماز بخواند، می‌تواند در مسجد یا منزل نماز بخواند، صلاه در حمام بدل دارد، اما صوم یوم عاشورا بدل ندارد و به تعبیر ایشان مندوحه در کار نیست. – نمی‌توانیم قائل به جواز اجتماع حکمین شویم، لذا یا باید امتناعی شویم و بگوییم: ممتنع است، که امتناعش هم به خاطر همین تضاد است و یا بحث را در باب تراحم برده، بگوییم بین اینها تراحم برقرار است و امکان امتثال هر دو وجود ندارد.

جواب تفصیلی آخوند(ره) از این دلیل

مرحوم آخوند(ره) در جواب تفصیلی فرموده‌اند: این نهی کراهتی و تنزیلی که در عبادات مکروهه وجود دارد، سه قسم است، که هر قسمی را مستقلاً، باید مورد بحث و جواب قرار دهیم.

اقسام ثلاثه عبادات مکروهه

قسم اول: نهی به ذات عبادتی تعلق پیدا کرده و بدل هم در کار نیست. مثل صوم روز عاشورا، که نهی به خصوص و ذات صوم تعلق پیدا می‌کند و بدلی هم در کار نیست.

قسم دوم: نهی به ذات عبادتی تعلق پیدا می‌کند و بدل هم در کار است. مثل صلاه در حمام، که نهی به خود صلاه تعلق پیدا می‌کند، اما این صلاه در حمام بدل هم دارد و می‌تواند به جای نماز در حمام، در مسجد یا بیرون از حمام نماز بخواند. در این قسم اول و دوم، نهی به ذات عبادت تعلق پیدا کرده است.

قسم سوم: نهی به ذات عبادت تعلق پیدا نمی‌کند، بلکه به عنوانی تعلق پیدا می‌کند که، آن عنوان تطبیق بر این عبادت می‌کند، یا این عبادت در وجود خارجی، ملازم با آن عنوان است. مثل صلاه در مواضع تهمت، که نهی به ذات صلاه تعلق پیدا نکرده، بلکه به مواضع تهمت تعلق پیدا کرده، اما عنوان و موضوع تهمت، بر این صلاه تطبیق پیدا می‌کند، یا اینکه این صلاه، ملازم با این عنوان است.

بنابراین مرحوم آخوند(ره) فرموده‌اند: می‌گوییم: عبادات مکروهه سه قسم است.

دو مطلب و سه جواب در قسم اول

در قسم اول که نهی به ذات عبادت تعلق پیدا می‌کند و بدل هم ندارد، مثل صوم یوم عاشورا، فرموده‌اند: اینجا دو مطلب مسلم داریم، که باید مورد توجه قرار گیرد.

در صوم یوم عاشورا که از عبادات مکروهه است، يك مطلب این است که اجماع داریم بر اینکه، اگر کسی در روز عاشورا، صوم را آورد، صحیح است و اجماع بر صحت این روزه قائم شده است.

از طرفی برای ما تردیدی نیست که، «ترك الصوم» رجحان دارد، اگر از فقیهی سوال کنند که، بالاخره در روز عاشورا، بهتر است روزه را بیاوریم یا ترك کنیم؟ می‌گوید: ترك رجحان دارد، «لمداومه الاثمه (علیهم السلام) علي الترك»، اثمه (علیهم السلام) نسبت به ترك صوم روز عاشورا، مداومت داشته‌اند و نمی‌شود اثمه (علیهم السلام) نسبت به چیزی که رجحان ندارد، مداومت داشته باشند، مداومت اثمه (علیهم السلام) بر ترك صوم یوم عاشورا، کاشف از این است که، ترك رجحان دارد. پس يك: اجماع داریم که، اگر کسی روز عاشورا، روزه گرفت، این عملش صحیح است. دو: اگر از ما بپرسند، فعل یا ترك صوم رجحان دارد؟ می‌گوییم: ترك صوم رجحان دارد.

مرحوم آخوند(ره) فرموده‌اند: حال که این دو مطلب روشن شد، در این قسم اول، یکی از این سه راه جواب می‌دهیم.

جواب اول مرحوم آخوند(ره) به قسم اول عبادات مکروهه

راه اول این است که بگوییم: در صوم یوم عاشورا، همانطوری که در خود صوم، مصلحت وجود دارد، در ترك صوم هم، مصلحت وجود دارد، یعنی بگوییم برای مخالفت با بني امیه، چون بني امیه روز عاشورا را، برای جشن و شادی و پیروزی، روزه می‌گرفتند، ترك هم دارای مصلحت می‌شود، لذا در روز عاشورا هم فعل و هم ترك دارای مصلحت است، در نتیجه در روز عاشورا، هم فعل و هم ترك، عنوان استحباب دارد.

پس بین این فعل و ترك، مثل تزامم بین دو مستحب هست. اگر در جایی دو مستحب، با هم تزامم کنند، مثلاً بین نماز اول وقت، با نماز در مسجد تزامم می‌شود، می‌گوییم: بین این دو مستحب که تزامم می‌شود، زمان مقدم است. یا اول وقت در خانه نماز بخوانیم، یا مثلاً نیم ساعت، راه برویم، خودمان را به مسجد برسانیم و نمازمان را در مسجد بخوانیم، در جایی که تزامم بین المستحبین می‌شود، قواعد باب تزامم است، یا هیچکدام ترجیح ندارند، یا یکی بر دیگری ترجیح دارد.

بنابراین بگوییم: اصلاً اینجا بحث کراهت در کار نیست، یعنی با این بیان، دیگر اجتماع دو مستحب است و دو متعلق کاملاً جدایی از یکدیگر دارند و اجتماع حکمین بر شيء واحد، که دو عنوان در کار باشد، نیست. يك فعل و يك ترك داریم که هر دو

مستحب است، لذا تراحم بين المستحبين مي شود.

جواب دوم مرحوم آخوند(ره) به قسم اول عبادات مكروهه

جواب دوم هم نظير همين جواب است، منتهي در جواب اول فرموده اند: عنواني مثل مخالفت با بني اميه، منطبق بر ترك است، اما در جواب دوم فرموده اند: ملازم با ترك است، يعني ترك ملازم است با عنواني كه، داراي مصلحت است. اين هم جواب دوم كه همان نتيجه جواب اول را دارد.

جواب سوم مرحوم آخوند(ره) به قسم اول عبادات مكروهه

در جواب سوم مرحوم آخوند(ره) فرموده اند: اصلاً اين نهي از صوم يوم عاشورا، ارشاد به اين است كه، ترك مشتمل بر مصلحت است و حكم، حكم ارشادي است. وقتي شارع نهي مي كند از صوم يوم عاشورا، اين نهي، ارشاد به اين است كه، روز عاشورا، ترك صوم، مصلحتش بيشتر از خود صوم است و ديگر از محل بحث خارج مي شود، براي اينكه بحث در اجتماع امر و نهي، در اجتماع دو حكم مولوي بر شيء واحد است و اصلاً در اينجا اجتماع حكمين مولويين نداريم، يك حكم مولوي، بنام استحباب الصوم و يك حكم ارشادي داريم، كه نهي از اين صوم است. اين سه جواب كه مرحوم آخوند(ره) در اينجا بيان فرموده اند. اينها را ملاحظه كنيد ببينيم، آيا اينها درست است يا نه؟

وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ